

جایگاه عزت‌نفس در نظام تربیتی اسلام وظایف والدین در تربیت عزتمندانه فرزندان ازمنظر فقه و تربیت

کنیز زهرا^۱، طاهره کریمی^۲

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی جایگاه عزت‌نفس در نظام تربیتی اسلام است. همچنین وظایف والدین در تربیت عزتمندانه فرزندان ازمنظر فقه و تربیت است. عزت‌نفس و ارزش دادن به شخصیت خود از نظر اسلام بسیار مهم است. بنابراین، همه رفتارهایی که سبب خواری و کوچک شدن مؤمن نزد دیگران شود، ممنوع است. مقاله حاضر نشانه‌های عزت‌نفس مثل شجاعت، نترسیدن از مرگ و اتکاء به خود در رفع حاجات را بررسی و عوامل تحقق عزت‌نفس مانند بندگی خدا، تقوا و حق‌مداری را بررسی می‌کند. همچنین وظیفه والدین در تربیت عزتمندانه فرزندان ازمنظر فقه و تربیت مثل توجه به تفاوت‌های فردی، عشق و محبت مطرح می‌شود. تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه جمع‌آوری مطالب کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: عزت‌نفس، نظام تربیتی، والدین، فرزندان، اسلام.

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد فقه تربیتی از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: zaheerqumi@yahoo.com

۲. مربی و مدیر گروه علمی-تربیتی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: t.karimi.qom@gmail.com

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. فقه در لغت

واژه فقه در لغت یعنی، مطلق علم و آگاهی، مطلق فهم و ادراک، فهم همراه با دقت و تأمل. (عرافی، ۱۳۹۱، ص ۳۳)

۲-۱. فقه در اصطلاح

فقه در اصطلاح یعنی، درک عمیق و ژرف‌اندیشی. این واژه و مشتقات آن مانند فقیه، تفقه، فقاقت و مانند اینها از همان ابتدا در ادبیات دینی و آیات و روایات درباره فهم و ادراک دین به کار می‌رفته است. در لسان‌العرب آمده است: «فقه به معنای علم و آگاهی است و استعمال آن در آگاهی از علم دین به دلیل شرافت و سیادت این علم بر سایر علم غلبه پیدا کرده است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵۵۲/۱۳). کاربرده واژه فقه و مشتقات آن در این قلمرو معنایی یکسان نیست و دگرگونی‌هایی داشته است. به‌طور کلی می‌توان دو معنای اصطلاحی از فقه برشمرد:

- فقه به معنای شناخت همه معارف دین، اعم از عقاید، احکام و اخلاق است؛
- فقط شناخت بخشی از دین (احکام) را فقه گویند.

این تحول معنایی از دگرگونی‌های اجتماعی و علمی تاریخ اندیشه مسلمانان سرچشمه گرفته است. (عرافی، ۱۳۹۱، ص ۳۴)

۳-۱. تربیت

تربیت در زبان فارسی به معنی پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و... است. در عربی، مصدر باب تفعیل از ریشه رَبَّ یا رَبَّو است. (احمد بن فارس، ۱۳۹۹، ص ۴۱۹) ریش رب به معنای حضانت، اصلاح، به تدریج تکامل بخشیدن و... است. ریشه رَبَّو در معانی زیادت، رشدونمو به کار می‌رود که بیشتر ناظر به پرورش جسمانی است. در نزاع میان این دو ریشه با شواهدی لغوی و ادبی ماده رَبَّو برتری دارد. لفظ تربیت در زبان انگلیسی از واژه education به معنای بیرون کشیدن، پروردن، صورت بخشیدن و آموختن است (عرافی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷).



۱-۴. عزت نفس

عزت از عبارت: «أرض عزاز» به معنای زمین محکم و نفوذناپذیر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۲) باتوجه به لغت و موارد کاربرد آن در قرآن به معنای نفوذناپذیری، تفوق و برتری است (علی نژاد، کمالوند، عمران و پیمان، ۱۳۹۵، ص ۵). شهید مطهری می‌گوید: «از نظر اسلام، مؤمن بایستی حالت مناعت (بلندنظری و بلندطبعی) و احساس شرافت (سرافازی و ارجمندی) داشته باشد که از آن به عزت نفس تعبیر شده است». (مطهری، ۱۳۸۰، ۱۶/۲۲) براساس روایات، سربلندی و ارزشمند دانستن خود، شجاعت، ایستادگی در راه حق، اتکا به خود در نیازها و پرهیز از اظهار نیاز به دیگران و... مؤلفه‌های معنایی عزت نفس هستند.

۲. جایگاه عزت نفس در نظام تربیتی اسلام

عزت نفس و ارزش دادن به شخصیت خود از نظر اسلام بسیار مهم است چنان که هیچ مسلمانی حق ندارد خود را ذلیل دیگران کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَقُوْضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلاً، أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ، فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيْزاً وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلاً؛ خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده، اما این اختیار را به او نداده است که ذلیل شود. مگر نشنیده‌ای که خداوند متعالی می‌فرماید: عزت از آن خدا و رسولش و مؤمنین است. پس، مؤمن عزیز است و ذلیل نیست» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۳/۵). بنابراین، همه رفتارهایی که سبب خواری و کوچک شدن مؤمن نزد دیگران شود، ممنوع است، ولی رفتارهای تعاونی متقابل و یاری‌خواهی مرسوم در جامعه انسانی خارج از محدوده این حدیث است. اهمیت عزت نفس و ارزش جان انسان تا آنجاست که اهل بیت علیهم السلام همواره مرگ باعزت را بر زندگی با ذلت ترجیح داده‌اند. امام حسین علیه السلام فرمود: «وَتُ فِي عِزِّ خَيْرٍ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ؛ مرگ در عزت بهتر از زندگی در خواری است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۲/۴۴). حضرت علی علیه السلام به فرزند خود سفارش می‌کند که نفس خود را از هر پستی و دنائتی دور نگه دارد: «اَكْرِمِ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است: «الْمَنِيَّةُ وَ لَا الدَّنِيَّةُ وَ التَّقَلُّ وَ لَا

التَّوَسُّلُ؛ مرگ آری، اما پستی هرگز. کم داشتن و فقر آری، اما حاجت نزد دیگران بردن هرگز» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۶).

گاه بین مرگ باعزت و زندگی همراه با پستی، تعارض پدید می آید و زمانی دیگر حفظ آبرو با درخواست ذلت بار از دیگران مقابل هم می ایستد. در چنین شرایطی امام علی علیه السلام مرگ را بر زندگی و تحمل فقر را بر اظهار حاجت ذلیلانه ترجیح می دهد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۶) باید نیازهای زندگی را تأمین کرد و نمی توان به دلیل عزت نفس از برآوردن خواسته های خود و خانواده سر باز زد، ولی باید در این موارد با حفظ عزت نفس اقدام کرد و به توصیه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله توجه داشت که فرمود: «أَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بِعِزَّةِ الْأَنْفُسِ؛ حاجت های خود را با حفظ عزت نفس برآورده سازید» (پاینده، ۱۳۸۲). اگر برای برآوردن نیازها قرار باشد عزت نفس انسان خدشه دار شود برآورده نشدن آن برای آدمی بهتر و تحمل پذیرتر است. امام علی علیه السلام می فرماید: «فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلْبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ؛ برآورده نشدن حاجت از عرضه کردن آن نزد افراد ناشایست آسان تر است» (نهج البلاغه، حکمت ۶۶).

۳. نشانه های عزت نفس

۳-۱. شجاعت

انسانی که برای خود ارزش قائل است هرگز با سکوت درمقابل افکار و رفتارهای باطل و ضد ارزش، خود را ذلیل نمی کند. امام علی علیه السلام فرمود: «أَلَشَّجَاعَةُ عِزٌّ حَاضِرٌ، أَلْجَبْنُ ذُلٌّ ظَاهِرٌ؛ شجاعت عزتی است آماده، ترس، ذلتی است آشکار» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۹). انسان شجاع همواره رفتاری عاقلانه، مؤدبانه و در مسیر حق دارد و در شرایطی نیز تقیه می کند و افکار و رفتارهایی را که ممکن است برایش خطرآفرین باشد پنهان می کند.

۳-۲. نترسیدن از مرگ

انسان عزیز و کسی که برای خود ارزش الهی قائل است از مرگ در راه هدف متعالی و دفاع از ارزش های الهی هراسی ندارد. امام حسین علیه السلام فرمود: «لَيْسَ شَأْنِي شَأْنُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ، مَا أَهْوَنَ



الْمَوْتِ عَلَى سَبِيلِ نَيْلِ الْعِزِّ وَإِحْيَاءِ الْحَقِّ، لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةً خَالِدَةً؛ مقام و منزلت من همانند کسی که از مرگ می ترسد، نیست. مرگ در راه عزت و احیای حق چقدر بیش من آسان است. مرگ در راه عزت، چیزی جز حیات جاودانه نیست». (جمعی از محققان، ۱۳۷۴، ص ۳۶۰)

۳-۳. اتکا به خود در رفع حاجات

بنابر آیات قرآن، انسان موجودی است که ضعیف آفریده شده است: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء: ۲۸) و علمش برای رفع نیازهایش نیز اندک است: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۵۸) و برای رفع حاجات، محتاج غیر است. حال چنین موجودی برای جبران کمبود چگونه باید رفع نیاز کند. آیا باید خود را بشکند و به هرشکل ممکن رفع نیاز کند. قرآن و روایات به مؤمن اجازه دلیل شدن نداده‌اند و او برای رفع نیاز نباید عزت نفس خود را خدشه‌دار کند. رسول خدا ﷺ فرمود: «أَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بِعِزَّةِ الْأَنْفُسِ؛ حاجت‌های خود را با حفظ عزت نفس برآورده سازید» (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۲۱۸).

۴. عوامل تحقق عزت نفس

۴-۱. بندگی خداوند

مؤمنی که می‌داند عزت و شکست‌ناپذیری مخصوص خداست آن را در اتصال به خدا جست‌وجو می‌کند. رسول خدا ﷺ در این باره فرمود: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارِينَ فَلْيَطِعِ الْعَزِيزَ؛ پروردگارتان هر روز ندا می‌دهد که ای بندگان من، عزیز، فقط من هستم، پس هرکس عزت دو جهان را می‌خواهد مرا اطاعت کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲۰/۶۷). باتوجه به معنای عزت و ویژگی حضرت حق، عزیز بودن خدا به معنی بی‌نیازی او از هر موجود و برتری مطلق و پیروزی او بر همه ضد خداهاست. مؤمن هم که عزت خود یعنی، ارزشمندی، بلندی و برتری افکار و جایگاه خود را در قالب اندیشه الهی می‌خواهد، می‌داند که باید مطیع خدای متعال باشد. امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عَزَّ وَ قَوِيَ؛ هرکه خدا را اطاعت کند عزت یابد و قوی شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲/۸۴). امام علی علیه السلام در سجده نمازش چنین راز و نیاز می‌کرد: «الهِی

کفی بی عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا؛ خداوندا برای من این عزت بس که بنده تو باشم و این افتخار مرا بس که تو پروردگار من باشی» (صدوق، ۱۳۷۷، ۴۲۰/۲). امام حسن مجتبی علیه السلام درباره ارتباط میان عزت نفس و اطاعت از خدا فرمود: «إِذَا أُرِدَّتْ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَ هَيْبَةٍ بِلَا سُلْطَانٍ فَاخْرُجْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ اگر خواستار عزت بدون داشتن قوم و خویش و طالب شکوه بدون سلطنت هستی از ذلت نافرمانی خدا به سوی عزت اطاعت او حرکت کن» (صدوق، ۱۳۷۷، ۱۶۹/۱).



۲-۴. تقوا و خداترسی

تقوا پوششی است که انسان را از آلودگی حفظ می‌کند؛ زیرا تقوا به معنای حفظ و نگهداری از هر چیزی است که به انسان ضرر و زیان برساند. تقوا و نگهداری نفس موجب سرافرازی انسان می‌شود، راه را به او نشان می‌دهد و او را بزرگ و ارجمند می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛ هرکه می‌خواهد با عزیزترین مردم باشد خداترس و اهل تقوا باشد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۱۱۷/۲).

۳-۴. دل بریدن از غیرخدا

خدا منشأ عزت است و غیر او هرچه دارد از اوست. بنابراین، دل بریدن از غیرخدا و امید بستن به او سبب عزت مؤمن خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «عِزُّ الْمُؤْمِنِ إِسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ؛ عزت مؤمن، بی‌نیازی او از مردم است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۴۸/۲). لقمان حکیم برای تربیت فرزند خود، او را به انقطاع از دنیا و غیرخدا فراخواند و فرمود: «فَإِنْ أُرِدْتَ أَنْ تَجْمَعَ عِزَّ الدُّنْيَا فَاقْطَعْ طَمَعَكَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، فَإِنَّمَا بَلَغَ الْأَنْبِيَاءُ وَالصِّدِّيقُونَ مَا بَلَغُوا بِقَطْعِ طَمَعِهِمْ؛ اگر خواهان آنی که همه عزت این جهان را داشته باشی از آنچه در دست مردم است قطع طمع کن که پیامبران فقط به سبب قطع طمع خود به آنچه می‌بینی، رسیدند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۲۰/۱۳).

۴-۴. حق‌مداری

از آنجا که خدا حق است و تمام عزت از آن اوست هر که با حق باشد و برای منافع اندک دنیا حق را رها نکند عزیز خواهد بود و تن به ذلت نخواهد داد. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزًا إِلَّا ذَلَّ وَلَا أَخَذَبَهُ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزَّ؛ هیچ عزیزی حق را ترک نکرد مگر اینکه ذلیل شد و هیچ ذلیلی به حق عمل نکرد مگر اینکه عزیز شد» (مجلسی، ۳۷۴/۱۴۰۳، ۷۵).

۴-۵. صداقت

راستی و درستی، شخصیت افراد را به خوبی نشان می‌دهد. امام حسین علیه السلام راستی و صداقت همه جانبه را مساوی با عزت دانسته و دروغ را موجب عجز و ذلت انسان می‌داند: «الْصِّدْقُ عِزٌّ وَالْكَذِبُ عِجْزٌ؛ صدق و راستی، عزت است و دروغ‌گویی، ناتوانی و زبونی است» (جمعی از محققان، ۱۳۷۴، ص ۸۹۸).

۵. وظایف والدین در تربیت عزتمندانه فرزندان از منظر فقه و تربیت

یکی از وظایف مهم والدین، تربیت عزت‌نفس در فرزندان است که بی‌تردید نقش تربیتی مهمی بر تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی او دارد. منابع اصلی استنباط و استدلال مسائل فقهی قرآن و سنت است. قرآن تنها کتابی است که راه‌های تهذیب و تربیت و معالجه روان انسان را به طور جامع نشان داده است. (نجاتی، ۱۳۶۹، ص ۱۱) عزت‌نفس در آموزه‌های دینی و اخلاقی یکی از برجسته‌ترین صفات هر مؤمن است که در کسب سایر فضائل اخلاقی مؤثر است. از این رو عزت‌نفس شالوده و پایه شادمانی و موفقیت است و تأثیر والدین و کانون خانواده در کودک و نقش آن در تحصیل آن بسیار مهم و عظیم است. عزت‌نفس براساس تجارب فرزندان و از روزهای اول زندگی شکل می‌گیرد و والدین نقش اساسی در روند این شکل‌گیری برعهده دارند.

۱-۵. گذاشتن نام نیک برای فرزند

یکی از مواردی که موجب ایجاد عزت‌نفس در کودکان می‌شود گذاشتن نام نیک بر آنهاست. نام نیکو و زیبا هم بر احترام و تکریم کودک می‌افزاید و هم نشان‌دهنده نوع تفکر و علایق فکری و

روحي خانواده هاست. بنابرین، در اسلام به نام‌گذاری به اسم‌هایی که حامل پیام و فرهنگ اصیل اسلامی باشند تأکید شده است. (خمینی، ۱۳۸۶، ۳۰۸) در سیره معصومین علیهم‌السلام انتخاب نام نیک و بامعنا اهمیت ویژه‌ای دارد. نام‌های بد و نامناسب آثار بدی بر انسان می‌گذارند و دستاویزی برای دیگران در تمسخر و ضربه زدن به شخصیت انسان است به‌ویژه در دوران کودکی که سبب می‌شود کودک عزت‌نفسش را از دست بدهد و سلامت روانش به خطر بیفتد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «انَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُّ أَحَدُكُمْ وَوَلَدُهُ الْإِسْمَ الْحَسَنَ فَلْيَحْيِيَنَّ أَحَدُكُمْ اِسْمَهُ وَوَلَدَهُ؛ نخستین چیزی که هریک از شما به فرزندش می‌بخشد نام نیکوست، پس هریک از شما نامی نیک بر فرزندش نهد» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۲۷/۱۵). باتوجه به سیره ائمه علیهم‌السلام در اهمیت نام‌گذاری فرزندان مشخص می‌شود که گذاشتن نام نیک بر فرزند یکی از حقوق فرزند بر والدین است که آنها باید این حق را به‌جا بیاورند تا موجبات عزت‌نفس فرزند خود را فراهم کنند (حسینی‌زاده و داوودی، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

۲-۵. سلام کردن

سلام کردن به کودکان یکی از روش‌های مفید و مثبت احترام به آنهاست و در عزت دادن به کودکان نقش مهمی دارد. خداوند متعال برای عظمت دادن به مؤمنان به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستور می‌دهد که به اهل ایمان بگوید: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ؛ هرگاه آنان که به آیات ما می‌گروند نزد تو آیند بگو: سلام بر شما باد» (انعام: ۵۴). در سیره رفتاری پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که به کوچک و بزرگ سلام می‌کرد. امام صادق علیه‌السلام از رسول اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است که می‌فرمود: «تا لحظه مرگ، پنج چیز را ترک نمی‌کنم که یکی از آنها سلام کردن به کودکان است تا بعد از من به صورت سنتی بین مسلمانان باقی بماند و به آن عمل کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۵/۱۶). رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خود نیز به این سیره پایبند بود و همیشه آن را رعایت می‌کرد. انس بن مالک می‌گوید: «ما کودک بودیم که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر ما گذشت و فرمود: «سلام بر شما کودکان» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳). از این دستورالعمل می‌توان نتیجه گرفت که سلام کردن به کودکان دو اثر دارد: یکی اینکه روح تواضع و

فروتنی را در سلام‌کننده ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که خود را با قشر کم‌سن جامعه نزدیک احساس کند و دیگر اینکه موجب اعتماد به نفس کودک و تقویت شخصیت او می‌شود. کودک وقتی در برخورد با بزرگسالان محبت، مهربانی و احترام را از آنها دید ناخودآگاه به طرف ایشان جذب شده، فرمانبرداری اش بیشتر می‌شود. در مجالس مهمانی، مسافرت‌ها، دیدوبازدیدها می‌توان جلوه‌های سلام کردن به کودکان را مشاهده کرد (زینهارى، ۱۳۷۴، ص ۴۷).

۳-۵. عشق و محبت

یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی، نیاز به محبت است. (برجی نژاد، ۱۳۸۹، ص ۴۸) از آنجاکه خانواده نخستین سرپرست کودک است، لازم است خانواده به‌ویژه والدین به این نیاز کودک توجه خاص داشته باشند و بدانند پاسخ‌گویی صحیح به این نیاز کودک، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا ارضای این نیاز کودک موجب عزت نفس او می‌شود. عشق بالارزش‌ترین سرمایه والدین است. اطفال محبت خوش را از راه بغل کردن، نوازش کردن و بوسیدن آن چیز مورد علاقه نشان می‌دهند. والدین باید محبت خود را به‌صورت کلامی و فیزیکی و به‌طور مکرر به آنها ابراز کنند و بر ماهیت نامشروط بودن عشق و محبت به فرزندان تأکید کنند. کودکانی که قادر به درک محبت والدین خود هستند در برابر تأثیرات منفی و تهدیدات خارجی در پرورش عزت نفس بهبودپذیر هستند (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۲۶۳). سیره عملی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نشان‌دهنده توجه ویژه مکتب تربیتی اسلام به این مهم است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به فرزندان و نواده‌های خود، به کودکان اصحاب و مسلمانان و کودکان غیرمسلمان محبت داشت و دیگران را نیز بدان سفارش می‌کرد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «نگاه محبت‌آمیز پدر به فرزند محبت است» (نوری، ۱۴۰۸، ۲/۴۶۴). همچنین فرمود: «فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه درجه‌ای در بهشت به شما خواهند داد که فاصله هر درجه پانصد سال است» (طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۲۳۱). از این روایات می‌توان دریافت که محبت به فرزند در تأمین سلامت روان او تأثیر زیادی دارد.

۴-۵. احترام و اعتماد متقابل

انسان، گل سرسبد موجودات و اشرف مخلوقات است و اسلام همواره شأن و منزلت او را محترم شمرده است. این حرمت و کرامتی است که خدا از بدو خلقت به انسان داده و در برابر آن نیز از او خواسته است. (ر.ک.، اسراء: ۷) انسان حب ذات دارد و هر انسانی خود را دوست دارد. والدین باید به کودکان خود با احترام مشابهی که برای یک دوست یا فرد دیگری قائل هستند، رفتار کنند. اگر در بین اعضای خانواده احترام و اعتماد متقابل وجود داشته باشد نیازهای روانی و عاطفی اعضا آسان تر برآورده می شود و افراد احساس می کنند بدون اینکه شخصیتشان مورد تهدید قرار گیرد، می توانند ناراحتی ها و مشکلات خود را با دیگر اعضای خانواده در میان بگذارند. اگر والدین به نقاط مثبت فرزندان توجه و آنها را تأیید و تکریم کنند، می توانند روحیه اعتماد به نفس را در آنها تقویت کنند. اگر کودک از والدین خود احساس بی احترامی کند دیگر سخنان و تعلیمات آنها نه تنها در او اثری نخواهد داشت، بلکه اثر معکوس و ضد تربیتی نیز به بار خواهد آورد، ولی اگر به آنها همانند افرادی که صاحب حق و حقوق هستند یا در قالب افرادی ویژه و خاص احترام گذاشته شود آنها نیز شروع به احترام گذاشتن و اهمیت دادن به والدینشان می کنند و آن را می آموزند (حسینی زاده و داوودی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰). پیامبر اسلام ﷺ همواره به کودکان احترام می گذاشت و دیگران را نیز به این امر سفارش می کرد. آن حضرت فرمود: «فرزندان خود را گرامی بدارید و با آداب نیکو با آنها معاشرت کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴/۱۳۹).

۵-۵. توجه به تفاوت های فردی

دانستن این نکته که در میان کودکان و نوجوانان تفاوت های فردی وجود دارد به والدین کمک می کند تا در برخورد با خصوصیات رشد یا اختلالات رشد به طور عملی و عینی تری برخورد کنند. (سیف و سوسن، ۱۴۰۱، ۲۰/۱) همان گونه که کودکان در بدو تولد از نظر قد، وزن و سایر ویژگی های جسمانی باهم تفاوت دارند از نظر هوش و استعداد و... نیز باهم فرق دارند. با در نظر گرفتن این



تفاوت‌ها توسط والدین، کودکان هیچ‌گاه در چنین خانواده‌هایی احساس بی‌ارزشی و بی‌کفایتی نمی‌کنند.

۵-۶. قرآن خواندن

قرآن کتاب هدایت است و به انسان شیوه درست زندگی کردن را می‌آموزد و سرشار از نکات اخلاقی است و در آیات مختلف به عزت‌نفس و کسب آن اشاره شده است. اگر والدین به کودکان خود آموزش دهند که قرآن بخوانند کودکان شخصیت قرآنی پیدا می‌کنند و اعمال و رفتار و گفتارشان با معیارهای قرآنی مطابق می‌شود. معصومین علیهم‌السلام به آموزش قرآن به کودکان اهتمام داشتند و والدین را به این کار توصیه می‌کردند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد گویی ده‌هزار حج انجام داده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۵/۸).

۵-۷. نماز خواندن

نماز ستون دین و رأس اسلام است. در سیره معصومین علیهم‌السلام والدین را موظف کرده‌اند که به کودکان خود نماز خواندن را آموزش دهند. نماز که انسان هنگام ادای آن سر بر آستان معبود می‌ساید و پیشانی خود را به رسم تواضع و بندگی به خاک می‌گذارد باعث می‌شود تا موجبات رستگاری انسان فراهم شود. این سجده که خضوع (تواضع بدنی) است و خشوع (تواضع قلبی) است موجبات تعالی انسان را فراهم می‌کند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «الصلاة معراج المؤمن» نماز معراج مؤمن است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۵/۸). انسانی که عروج یافته و اوج گرفته است عزت‌نفس دارد. عزت‌نفس نیز با رفتن به پیشگاه معبود حاصل می‌شود. براساس سیره معصومین علیهم‌السلام سن شروع آموزش نماز به کودکان ۷ سالگی است و باید توانایی و ظرفیت کودکان را در نظر گرفت و بر آنها آسان گرفت تا به تدریج عادت کنند.

۵-۸. بازی با کودک

بازی، نیازی طبیعی و از ضروریات رشد و تکامل همه‌جانبه کودک است. کودکی که به بازی علاقه‌ای نداشته باشد بیمار است. والدین و مراقبین کودک با وجود علم و آگاهی به این نیاز

کودکان شاید توجه کافی به رفع این نیاز و آثار تربیتی فراوانی که در توجه به آن وجود دارد، نشان ندهند و از آثار زیان باری که در بی توجهی به این نیاز کودک و رفع نکردن آن وجود دارد، غافل باشند. (مری دوروتی، ۱۳۸۸، ص ۶۷) پیشوایان دینی در زندگی خود به این نیاز طبیعی کودکان توجه کافی داشته‌اند. آنها علاوه بر اینکه کودکان را در بازی کردن در دوران کودکی آزاد می‌گذاشتند خود نیز در بازی آنها شرکت می‌کردند. ابن ابی‌الحدید می‌گوید: «قال المدائنی و کان الحسن علیه السلام اکبر ولد علی و کان سیدی سخیا حلیمًا خطیبًا و کان رسول الله صلی الله علیه و آله یحبه سابق یوما بین الحسنین و بینة فسبق الحسن فاجلسه علی فخذہ الیمنی ثم اجلس الحسنین علی الفخذ الیسری؛ حسن علیه السلام بزرگ‌ترین فرزند امام علی علیه السلام و مردی بزرگوار، سخاوتمند و شکیبا بود و پیامبر صلی الله علیه و آله او را دوست می‌داشت. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بین او و حسین علیه السلام مسابقه دو گذاشت. امام حسن علیه السلام بر امام حسین علیه السلام پیشی گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله او را بر زانوی راست خود و حسین علیه السلام را بر زانوی چپ خود نهاد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ۲۷/۱۶). از این رفتار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین استنباط می‌شود که تشویق کودکان به بازی و ایجاد رقابت بین آنها با تشویق برنده و عدم کم توجهی به بازنده موجب افزایش میزان عزت نفس در آنها می‌شود چون هم موجب تأمین نیاز طبیعی آنها به بازی کردن شده و هم وسیله‌ای برای رشد همه جانبه کودک به ویژه رشد شخصیت و عزت نفس وی می‌شود.

۵-۹. وجود نظم و انضباط مشخص

از عوامل مؤثر در ایجاد عزت نفس وجود هیجان و نظم و انضباط مشخص و دائمی در خانواده است. والدینی که در تربیت فرزندان خط‌مشی ثابت و مشخصی دارند و نقش هرکدام در خانواده مشخص است در ایجاد عزت و اعتماد به نفس نقش مؤثری دارند تا والدینی که فاقد این ویژگی هستند. (فرهادیان، ۱۳۸۶، ص ۶۶)

۵-۱۰. تشویق و تحسین

در تأمین جنبه‌های عاطفی، کودک به ستایش و تحسین نیاز دارد. این امر موجب روحیه‌ای شاد برای کودک و بالا رفتن میزان عزت نفسش می‌شود. شکی نیست که تحسین غذای عزت نفس است. تشویق، کودک را ترغیب می‌کند تا برای دستیابی به هدف تلاش کند. حس عزت نفس کسی که هرگز به دلیل موفقیت‌ها و توانایی‌هایش قدردانی و تأیید نشده است، تقویت نمی‌شود، البته تقدیر و تحسین نباید رشوه‌ای برای عمل باشد، بلکه اصل باید این باشد که انسان‌ها موظف به انجام وظیفه باشند و هرکس وظیفه‌اش را انجام داده مستحق تقدیر است. تشویقی باعث بالندگی کودک می‌شود و می‌تواند تأثیر مثبت به جا بگذارد که همراه با احترام و مشخص باشد. لازم نیست که والدین منتظر باشند کودکانشان کارهای فوق‌العاده خوب انجام دهند تا مورد تشویق قرار گیرند، بلکه رویدادهای روزانه مانند به موقع آماده شدن برای رفتن به مدرسه نیز کافی است. تشویق معجزه می‌کند. اگر کودک در مسائل عبادی تلاشی کرده است باید تشویق شود، البته باید توجه داشت تشویق به امور مادی محدود نشود تا کودک برای مادیات عبادت نکند، بلکه تحسین باید به صورت مسائل معنوی مانند بوسیدن، تفریح بردن، برخورد محبت‌آمیز و... نیز انجام شود. تشویق، چندوقت یک‌بار صورت گیرد نه پیوسته و بعد از هر عمل عبادی؛ زیرا کودک را اهل معامله می‌کند. معصومین علیهم‌السلام در سیره خود از این روش استفاده می‌کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱۴/۹۵)

۵-۱۱. کمک کردن و مسئولیت دادن

احساس کودک مبنی بر اینکه می‌تواند به درد دیگران بخورد به ویژه به درد کسانی که دوستشان دارد یا اینکه خود را توانا بیابد و ببیند که کاری از دست او برمی‌آید، احساس ارزشمندی می‌کند. گاهی اوقات والدین وسوسه می‌شوند و بهایین دلیل که کاری را خودشان سریع‌تر انجام می‌دهند یا نمی‌خواهند باری به دوش کسی باشد از پذیرفتن کمک فرزندان‌شان خودداری می‌کنند. یافتن کارها و وظایفی که بتواند به شکلی خاص امکان ارضای خاطر کودک را با توجه به خصوصیات

فردی او و در قالب کمکی که ارائه می‌دهد، فراهم کند امر ارزشمندی است. احساس خودارزشمندی و عزت نفس به‌هنگام کمک به دیگران و به‌کارگیری توانایی‌هایی که بر مبنای آنها عمل می‌شود همیشه به‌شکلی مضاعف تقویت می‌شود. گاهی اوقات عزت نفس از بین رفته با کمک دیگران قابل اصلاح است. انجام کار برای دیگران احساس خوبی به همراه دارد که آن را همیاری می‌نامند. دلیل این احساس کسب چیز ارزشمندی است و می‌تواند تجربه‌ای خوب و نیرومند برای کودکان باشد. اگر کمک آنها مورد تشویق واقع شود به تدریج خصوصیتی مانند صبر، مهربانی و رفتار خوب را از خود بروز می‌دهند. در نتیجه، حس حرمت نفس بیشتری در آنها به وجود می‌آید. (فرهادیان، ۱۳۸۶، ص ۷۴) خداوند در قرآن کریم به تعاون و همکاری تأکید می‌کند: «و تعاونوا علی البر و التقوی» (مائده: ۱). وقتی پدر و مادر مسئولیت‌هایی را به کودک خود واگذار می‌کنند به‌طور کامل به او اختیار می‌دهند؛ یعنی در کوچک‌ترین کار واگذار شده با واگذاری اختیار می‌توانند حس مسئولیت‌پذیری کودک را افزایش دهند؛ زیرا در این صورت کودک می‌تواند تصمیم بگیرد و استقلال نسبی پیدا کند و خودبه‌خود برای کارهای بزرگ‌تر و مسئولیت‌های سنگین آماده شود. در این حالت کودک به خود می‌بالد و رشد می‌کند (لیدن فیلد، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴؛ دیلمی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵).

۵-۱۲. حمایت کردن

کودکان و فرزندان در مواجهه با مسائل و دشواری‌ها احساس ناتوانی می‌کنند. آنها بر اثر عدم تجربه در زندگی گمان می‌کنند بهتر آن است که وارد معرکه‌ای نشوند و دست به امر جدیدی نزنند. عزت نفس کودکان با زمینه‌های زندگی اجتماعی و فرهنگی آنها مرتبط است. محیط گرم و حمایت‌کننده خانواده می‌تواند جواب‌گوی این نیاز کودک باشد. در تأمین حمایت از کودک توسط والدین ضروری است که در رفتاری‌ها با او ابراز همدردی کنند. والدین باید درک کنند که حمایت به معنای زیر فشار قرار دادن کودکان برای بهتر بودن و بهتر انجام شدن کارها نیست؛ زیرا نیاز افراد خانواده با یکدیگر متفاوت است. برخی نیازمند تشویق

بیشتر هستند تا تلاش خود را افزایش دهند، ولی بعضی نیز نیاز دارند که متقاعد شوند تا کارها را ساده‌تر گرفته و آرام‌تر پیش روند. حامی بودن و حمایت کردن به معنای توجه به علایق و خواسته‌های دیگران است. از طرف دیگر کودکانی که مورد حمایت افراطی قرار می‌گیرند و فرصتی برای دست‌وپنجه نرم کردن با مسائل زندگی پیدا نمی‌کنند نیز عزت نفس کمی به دست می‌آورند. والدینی که با حمایت کردن، پیش‌تیبیان کودکان خود هستند و توانایی‌های وی را مثبت ارزیابی می‌کنند این نگرش را در نوجوان به وجود می‌آورند که او فردی شایسته و ارزشمند است. این احساس ارزشمندی در کودکان در برداشتی که فرد از خود دارد، تداوم می‌یابد اگرچه امروزه در جامعه حقوق کودکان هرچه بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرد. با این وجود احتمال دارد با انواعی از بی‌عدالتی و سوءرفتار روبه‌رو شوند که نتوانند به‌تنهایی در مقابل آنها ایستادگی کنند. وظیفه والدین است که مراقب باشند کودکانشان دریابند که این حق آنهاست که تا زمانی که نمی‌توانند خودشان به‌تنهایی از خود دفاع کنند از حمایت و پشتیبانی آنها برخوردار هستند. (خوش‌گو تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱)

۶. شیوه معصومین در برخورد با کودکان

۱-۶. برخاستن و استقبال از فرزند هنگام ورود او به مجلس

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌طور معمول هنگام ورود افراد به مجلس به احترام آنها می‌ایستاد و برای آنها جا بازمی‌کرد، اما برای فرزندان خود حسنین علیهما السلام و حضرت فاطمه علیها السلام علاوه بر اینکه به احترام آنها می‌ایستاد چند قدم به استقبال آنها می‌رفت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰/۷۵)

۲-۶. احترام و شخصیت دادن به کودکان

معصومین علیهم السلام همواره کودکان را با احترام و نام نیک صدا می‌کردند و نام کودکانی که نامی نامناسب یا زشت داشتند را عوض می‌کردند. در سیره معصومین علیهم السلام موارد فراوانی یافت می‌شود که هنگام صحبت با فرزندان خود از لفظ «یا بنی؛ پسر» استفاده می‌کردند. همان‌گونه که لقمان فرزندش را با آن، مورد خطاب قرار می‌داد که موارد متعددی از آن در قرآن آمده است. (ر.ک.، لقمان: ۱۷-۱۹)

یکی دیگر از شیوه‌های احترام به کودکان و فرزندان توجه به شخصیت آنهاست. کودک و نوجوان جذب حرف‌ها و رفتاری می‌شود که خود در آن نقشی داشته باشد و شخصیتش در آن دخالت داده شود. باید کلماتی انتخاب شود که به شخصیت او لطمه نزند. با اظهار محبت ارزنده‌سازی شخصیت کودک باید روی نقطه قوت و کارهای مثبتش تکیه شود. این امر موجب افزایش عزت نفس او می‌شود (فرهادیان، ۱۳۸۶، ص ۳۳). نگاه معصومان به فرزندان و کودکان نگاه به کودک نیست که روز خود را با بازی به پایان می‌برند، بلکه آنها را افرادی باشخصیت و بافهم و آگاهی می‌دانستند که در آینده، بزرگان قوم خود خواهند شد و این را به کودکان القا کردند.



۳-۶. شرکت دادن کودکان در جلسه دعا برای آمین گفتن

امام باقر علیه السلام هنگام دعا کودکان را جمع می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند؛ یعنی آنها را در درگاه خدا مقرب می‌دانست و از این راه به آنها القا می‌کرد: «شما در نزد خدا احترام ویژه‌ای دارید و اگر آمین بگویید دعا مستجاب می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۸۷/۲). امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «پدرم، هرگاه غمگین می‌شد زنان و کودکان را جمع می‌کرد و دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۸۷/۲).

۷. نتیجه‌گیری

از آنجاکه عزت نفس، هدفی تربیتی است و انسان با کسب عزت نفس در مسیر رشد و تربیت صحیح قرار می‌گیرد والدین نقش اساسی در تربیت فرزندان دارند و راهبردهای تربیتی مانند انتخاب نام نیک، استفاده صحیح از قدرت، داشتن احترام و اعتماد متقابل از اموری است که در پرورش عزت نفس مؤثر است و رعایت آنها سبب افزایش سلامت معنوی و توان آنها برای مقابله با فشارهای روانی و بحران‌ها در زندگی آتی می‌شود. مهمترین تأثیر عزت نفس در انسان احساس کرامت و دوری از گناه و معصیت است که تأمین‌کننده سلامت روح و روان و زمینه‌ای برای ایجاد تربیت صحیح و الهی است. از آنجاکه گناه عامل اساسی در آسیب رساندن به سلامت معنوی انسان و افزایش فشار روانی است پرورش عزت نفس از کودکی

سبب تربیت انسانی می‌شود که با دوری از معاصی از بیماری‌های روحی و روانی مصون می‌ماند. بنابراین، آموزش و ارتقای آگاهی والدین و مراقبین کودک درباره شیوه رفتار و تربیت کودکان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی ضروری است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
۱. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
 ۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. به کوشش: ابراهیم محمد ابوالفضل. قم: مکتب آیت‌الله المرعشی النجفی.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
 ۴. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱). فقه تربیتی مبانی و پیش فرض‌ها. محقق: موسوی، سید نقی. قم: اشراق و عرفان.
 ۵. برجی‌نژاد، زینب (۱۳۸۹). نقش مادر در تربیت فرزند. نشریه زنان و خانواده، شماره ۶، ۱۸۳-۲۱۰.
 ۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
 ۷. جمعی از محققان (۱۳۷۴). موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام. قم: دارالمعروف.
 ۸. حسینی‌زاده، علی، و داوودی، محمد (۱۳۹۴). سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۹. خوش‌گو تهرانی، زهیر (۱۳۸۷). چگونه کودک خود را تربیت کنیم. قم: مهر امیرالمؤمنین علیه السلام.
 ۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۳). سیری در تربیت اسلامی. تهران: ناشر دریا.
 ۱۱. دبلمی، علی، و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۷). اخلاق اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داودی. بیروت: دار العلم الدار الشامیه.
 ۱۳. زینهاری، مه‌ری (۱۳۷۱). خانواده و تربیت کودک. نشریه پیام زن، شماره ۶، ۴۵-۴۹.
 ۱۴. سیف، سوسن (۱۴۰۱). روان‌شناسی رشد. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
 ۱۵. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷). الخصال. تهران: کتابچی.
 ۱۶. طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر الحسن بن فضل (۱۴۰۴). مکارم الاخلاق. بیروت: دار الحوراء.
 ۱۷. فرهادیان، رضا (۱۳۸۶). والدین و مربیان مسئول. قم: بوستان کتاب.
 ۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. به کوشش غفاری، علی‌اکبر، و آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۹. لیدن فیلد، گیل (۱۳۸۰). اعتمادبه‌نفس برتر. مترجم: هاشمی، حسین. اصفهان: غزل.
 ۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار الاحیای التراث.
 ۲۱. محمدعلی‌نژاد، روح‌الله، و کمالوند، پیمان و عمران (۱۳۹۵). مفهوم‌شناسی تطبیقی عزت‌نفس در قرآن و روان‌شناسی انسان‌گر. نشریه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، (۷)، ۲۷-۳۲.
 ۲۲. مری دوروتی، شریدان (۱۳۸۸). بازی و رشد کودکان. مترجم: توکلی، رضا. تهران: انتشارات رشد.
 ۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). مجموعه آثار. تهران: صدرا.

۲۴. مظاهری، حسین (۱۳۸۸). تربیت از نظر اسلام. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲۵. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶). تحریر الوسیله. قم: اسماعیلیان.
۲۶. نجاتی، محمد عثمان (۱۳۶۹). قرآن و روان شناسی. مترجم: عرب، عباس. مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۲۷. نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام.
۲۸. ورام بن ابی فراس، مسعود (۱۴۱۰). مجموعه ورام. قم: مکتبه فقیه.

